

رئیس‌جمهور آمریکا در گفت‌وگویی رهبران اروپایی را احمق خواند و آن‌ها را نزدیک به فروپاشی تمدنی توصیف کرد

# ترامپ برای اروپایی‌ها فیلم ترسناک تعریف کرد



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

اروپایی‌ها آن‌قدر از سوی ترامپ تحقیر شده‌اند که اگر به ۱۴۹۲ میلادی برگردند، احتمالاً خروجی‌های اسپانیا را مسدود می‌کنند تا کریستف کلمب هیچ‌وقت پایش به سواحل آمریکای جنوبی نرسد. آخرین تیر رئیس‌جمهور آمریکا به قاره سبز در مصاحبه مفصل با «پولیتیکو» رها شد: «آنها ضعیف‌اند و رو به زوال». ترامپ در این گفت‌وگو آب پاکی را روی دست شرکای اروپایی ریخت و با هشدار به اینکه «جنگ اوکراین برای همیشه ادامه پیدا خواهد کرد» از تصمیم خود برای «تغییر سیاست اروپا» پرده برداشت. شورای روابط خارجی اروپا هم تلاش کرد با یک اظهارنظر، لاقال در کلام پاسخ ترامپ را بدهد. این شورا اعلام کرد «اجازه نمی‌دهیم ترامپ معنای اروپایی بودن را تعریف کند». این شورا هشدار داده که «باید در برابر نفوذ مخرب آمریکا مقاومت کنیم.» با این حال کشورهای اروپایی میان دو تیغه روسی-آمریکایی قرار گرفته‌اند و روزگار پیچیده‌ای را پشت سر می‌گذارند.

### اروپا فلج شده و رو به زوال است

ترامپ گفت‌وگو را با عبارتی آغاز کرد که از همان ابتدا فضای مصاحبه را تعیین می‌کرد. او اروپا را «یک گروه رو به زوال از کشورها» توصیف کرد. این جمله نقطه شروع مجموعه‌ای از حملات متوالی به شرکای راهبردی آمریکا بود. او با این عبارت تلاش داشت تصویری از اروپا ارائه کند که نه‌تنها قدرت سابق را از دست داده، بلکه گرفتار رکود، بحران‌های داخلی و ضعف مدیریتی است. ترامپ این نگاه خود را با جملات بعدی توضیح داد و گفت که اروپا امروز توسط «رهبرانی ضعیف» اداره می‌شود؛ رهبرانی که به عقیده او «فاقد اراده و توان لازم» برای مدیریت بحران‌های قرن بیست‌ویکم هستند. او بارها تکرار کرد که مشکل اروپا فقط ناتوانی ساختاری نیست، بلکه «ضعف در رهبری» است. او با ابراز این عقیده سعی داشت ایده اصلی خود را تعریف کند: «آمریکا رهبری است که باید راه را نشان دهد و اروپا یک شریک وابسته و بی‌کفایت.» ترامپ در ادامه به موضوع «سیاسی‌کاری» پرداخت: «به نظرم آنها بیش از حد سیاسی‌کاری می‌کنند و نمی‌دانند چه باید بکنند.» این نقد در حقیقت متوجه همان احزاب سنتی و جریان‌های سیاسی مستقر در اروپا بود که ترامپ سال‌هاست آنها را نماد «بروکراسی ضعیف» و «نظم جهانی قدیمی» می‌داند. او درحالی‌که کمتر از یک‌ماه از طولانی‌ترین دوره تعطیلی دولت فدرال آمریکا گذشته، اروپا را متهم کرد که درگیر بازی‌های سیاسی داخلی شده و توان تشخیص، تصمیم‌گیری قاطع و ارائه سیاست‌های واقعی را از دست داده است.

ترامپ که مسئله «مهاجران» کشورش به یکی از مسائل پرتنش در ایالات متحده تبدیل شده، بخشی از مصاحبه را به مسئله مهاجرت

در اروپا اختصاص داد و سعی کرد آن را به‌عنوان اصلی‌ترین نشانه ضعف اروپا معرفی کند. او شهرهایی مانند لندن و پاریس را مثال زد و گفت این شهرها «در حال فروپاشی زیر فشار مهاجرت» هستند. او اعلام کرد اگر مرزها و سیاست‌های مهاجرتی تغییر نکنند، برخی کشورها «دیگر به‌عنوان یک کشور قابل‌دوام نخواهند بود.»

این صحبت‌ها پیام‌آور دلسوزی ترامپ برای اروپا نیست بلکه بخشی از طرح سیاسی اش برای آنهاست. رسانه‌های اروپایی مدت‌هاست هشدار می‌دهند که او می‌خواهد اروپا شبیه «آمریکای ترامپی» شود. ترامپ در ادامه برای سومین بار در یک سال اخیر به صادق خان، شهردار مسلمان لندن حمله کرد و او را نماد «پیروزی مهاجرت» بر «هویت اروپایی» دانست. او گفت صادق خان «فاجعه است» و انتخاب او را نتیجه «ورود انبوه مهاجران» دانست. این در حالی است که ترامپ همین اتهامات و حتی پیش‌ترش را به زهران ممدانی، شهردار نیویورک زده بود و در نهایت طی دیدار با او در کاخ سفید با تیریک انتخابش به تمجید از او پرداخت و گفت: «ما به او کمک خواهیم کرد تا به رویای همه دست یابد: نیویورکی بسیار قوی و امن.»

### فقط حرف می‌زند

بخش دیگری از حملات ترامپ، متوجه نقش اروپا در جنگ اوکراین بود. او گفت: «آنها حرف می‌زنند اما کاری نمی‌کنند.» از نگاه ترامپ، اروپا در جنگ اوکراین نه‌تنها نتوانسته تعادلی ایجاد کند، بلکه عملاً جنگ را به یک بحران بلندمدت تبدیل کرده است.

### نیمی از اروپایی‌ها ترامپ را دشمن می‌دانند

اروپایی‌ها در حالی هدف تیربار تحقیر ترامپ قرار گرفته‌اند که روزگاری غرور ملی برایشان اهمیت ویژه‌ای داشت: «تاریخ جهان از شرق به غرب حرکت می‌کند؛ زیرا اروپا پایان مطلق تاریخ است، همان‌طور که آسیا آغاز آن است.» این دیدگاه فریدریش هگل، فیلسوف سرشناس آلمانی بود. وینستون چرچیل، نخست وزیر انگلیس هم رویای «ایالات متحده اروپایی» را سال ۱۹۶۴ در دانشگاه زوریخ آلمان مطرح کرد و دیدگاه‌های ناسیونالیستی بسیاری از نظرسراة اروپایسان مطرح شده است. امروز اما این غرور ناسیونال توسط دونالد ترامپ لگدمال شده است. افکارسنجی اروپایی که توسط آژانس «ClusterV» یک هفته پیش انجام شده، تصویر مشخصی از دیدگاه مردم اروپا نسبت به دونالد ترامپ و رابطه با آمریکا ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که ۴۸ درصد «اروپایی‌ها ترامپ را به‌عنوان «دشمن اروپا» می‌بینند و نگاه منفی نسبت به او در حال گسترش است. در میان کشورهایی که داده‌های دقیق منتشر شده، بلژیک با ۶۲ درصد» و فرانسه با ۵۷ درصد» بالاترین درصد نگرانی

او ادعا کرد که روسیه «به‌وضوح» در موقعیت قوی‌تری قرار دارد و اروپا، به‌جای تولید راه‌حل، فقط بر شعارها تکیه کرده است. در همین حال ترامپ در طرح صلح ۲۸ بندی خود برای برقراری صلح در اوکراین پیشنهاد داده بود این کشور باید بی‌خیال «۱۴ درصد» خاک اشغال‌شده‌اش توسط روسیه شود و در بند دیگر به صورت تلویحی استفاده اوکراین از هرگونه موشک‌های دوربرد را ممنوع کرده است. او مستقیماً به آلمان، فرانسه و بریتانیا حمله کرد و گفت آنها «هیچ نقشی در پیشبرد صلح ندارند.» ترامپ حتی به زلنسکی نیز تاخت و گفت او را متهم به این کرد که حتی طرح صلح پیشنهادی را نخوانده است.

#### از کسانی حمایت می‌کنم که اروپایی‌ها دوستشان ندارند

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مصاحبه، جایی بود که ترامپ گفت از نامزدهای سیاسی در اروپا «حمایت» خواهد کرد، حتی اگر این حمایت بر خلاف خواست رهبران اروپا باشد. او گفت: «من حمایت می‌کنم. من از کسانی حمایت کرده‌ام که خیلی از اروپایی‌ها دوستشان ندارند.» رئیس شورای اروپا پیش‌تر هشدار داده بود که «متحدان نباید در سیاست داخلی یکدیگر دخالت کنند.» اما ترامپ آشکارا این اصل را کنار گذاشت و گفت همین دخالت را ادامه می‌دهد. ترامپ، ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان را به‌عنوان کسی که می‌خواهد حمایتش کند، معرفی کرد. مجارستان

و خصومت نسبت به ترامپ را دارند، این آمار در کرواسی «۳۷درصد» و در «لهستان ۱۹» درصد است. گزارش نتیجه می‌گیرد که این تفاوت‌ها دلایل مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها «شرایط جغرافیایی، سیاسی و تاریخی» کشورها بر نگاه آن‌ها به سیاست‌های آمریکا است.

با وجود این ارزیابی منفی نسبت به ترامپ، اروپایی‌ها همچنان معتقدند ترامپ می‌تواند از مخصصه کنونی نجاتشان دهد. وقتی از آن‌ها پرسیده شده که «اتحادیه اروپا باید چه موضعی در برابر آمریکا اتخاذ کند»، گزینه محبوب با ۴۸ درصد رأی «سازش و توافق» بوده است. روند نظرسنجی نشان می‌دهد که درصد کسانی که ترامپ را «نه دوست و نه دشمن» می‌دانستند، کاهش یافته و تعداد افرادی که او را دشمن قطعی می‌دانند افزایش یافته است. به معنای دیگر نگاه اروپا به ترامپ سخت‌تر و منفی‌تر شده، اما در عین حال، تلاش برای حفظ دیپلماسی و مصالحه با آمریکا همچنان وجود دارد و نشان می‌دهد که اروپا نمی‌خواهد جبهه دیگری به درگیری‌هایش اضافه کند.

از معدود کشورهای اروپایی است که در طول منازعه روسیه و اوکراین، بارها از مسکو حمایت کرده است. ویکتور اوربان روز سه‌شنبه (۱۸ آذر) گفت در مورد طرحی تحت عنوان «سپر مالی» با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به توافق رسیده است. طبق این طرح، آمریکایی‌ها قول داده‌اند در صورتی‌که هر گونه حمله خارجی علیه مجارستان یا نظام مالی آنها انجام شود، از ثبات مالی مجارستان دفاع کنند. در همین حال اوربان متعهد شده است حدود ۶۰۰ میلیون دلار» گاز طبیعی مایع از آمریکا خریداری کند. با این تقاسم، به نظر می‌رسد مجارستان جزو معدود کشورهای اروپایی است که از وجود ترامپ خرسند است. پتر سیاروتو، وزیر امور خارجه این کشور هم هشدار داد که کشورش در برابر هرگونه پیشنهاد برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه روسیه خواهد ایستاد. برای ترامپ، اروپا یک میدان سیاسی است؛ میدانی که او می‌خواهد در آن جریان‌های راست‌گرای ملی‌گرا را تقویت کند و سیاست‌های لیبرال‌دموکرات سنتی اروپا را تضعیف کند. از نگاه ترامپ، اروپا باید شبیه مدل‌های سیاسی محبوب او مانند مجارستان شود.

### پاپ: ترامپ اتحاد اروپا و آمریکا را از هم می‌پاشد

رابرت پرووست، رهبر کاتولیک‌های جهان روز گذشته پس از دیدار با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین با اشاره به تحرکات و لفاظی‌های ضداروپایی ترامپ گفت که او در تلاش برای «از هم پاشیدن» اتحاد اروپا و آمریکا است. ترامپ در اظهارات مختلفی سعی کرده بود محور اروپا را از مذاکرات صلح اوکراین حذف کند و روند پیاده‌سازی اهدافش را تسهیل کند. پاپ لئوی چهاردهم در این باره تأکید کرد با توجه به اینکه جنگ در اروپاست، جست‌وجوی یک «توافق صلح» بدون مشارکت اروپا در مذاکرات غیرواقع‌بینانه است. «او با طعنه به ترامپ گفت: «تضمین‌هایی نیز برای امنیت امروز و آینده جست‌وجو می‌شود. اروپا باید بخشی از این باشد و متأسفانه همه این‌را درک نمی‌کنند، اما من فکر می‌کنم فرصت بزرگی برای رهبران اروپایی وجود دارد تا متحد شوند و با هم به دنبال راه‌حل باشند.»

### فایل اروپا روی میز ترامپ

در مجموع، سخنان ترامپ نشان می‌دهد که او دیگر اروپا را «متحد برابر» آمریکا نمی‌بیند و می‌خواهد آمریکا از نقش تاریخی «حامی امنیت اروپا» خارج شود و اروپا را وادار کند بار سیاسی و امنیتی خود را به دوش بکشد. از سوی دیگر، او می‌خواهد با دخالت در انتخابات اروپا، سیاست‌های داخلی قاره را به سمت جریان‌های راست‌گرا و ملی‌گرا سوق دهد و اروپایی‌ها چه چنین چیزی را مردود می‌دانند. با این‌حال اما ترامپ اروپا را قاره‌ای می‌بیند که باید «بازطراحی» شود؛ قاره‌ای که نمی‌تواند با قواعد قدیمی خود ادامه دهد و باید زیر فشارهای آمریکا و به هر قیمتی که شده تغییر کند. در نهایت باید دید اروپایی‌ها قادر به نجات خود از این منگنه تاریخی خواهند بود؟



چه جریانی درصدد تلاش برای کم‌رنگ‌کردن مناسباتی چون روز مادر است؟

## پروژهٔ سیاسی – اقتصادی تغییر ذائقهٔ ایرانیان



علی مژزویی

خبرنگار گروه سیاست

روز مادر و روز زن یکی از شیرین‌ترین مناسبت‌های تقویم ایرانی است. فروشنده‌ها به همین مناسبت تخفیف می‌دهند، خیابان‌ها پر می‌شود از گل و شیرینی و هدیه و جامعه در یک فضای گرم و صمیمی به یاد مادران و زنان می‌افتد. اما برخی بنگاه‌های اقتصادی تلاش دارند مناسبت‌های غربی را به ایران تحمیل کرده و به قیمت هویت‌زدایی از ایران پول بیشتری در بیاورند. بنگاه‌هایی که به جای روز مادر، عید نوروز و ده‌ها مناسبت دیگر به سراغ بلک‌فرایدی، ولنتاین، هالووین و کریسمس می‌روند. مناسبت‌هایی که هیچ ریشه‌ای در فرهنگ و تاریخ ما ندارند، اما با شدت عجیبی در حال بلعین تقویم مصرفی ایرانیان هستند. این جایگزینی تصادفی نیست. پشت آن یک مهندسی دقیق اقتصادی نهفته است؛ مهندسی که بعضاً پشت پرده امنیتی نیز در خود داشته و هدفش تغییر تدریجی ارزش‌ها، سبک زندگی و درنهایت هویت جمعی است که در طول قرن‌ها ضامن بقای ایران بوده است.

### رویدادهایی که کلوب شبانه می‌شوند

این مهندسی فرهنگی فقط به فروشنده‌های آنلاین محدود نمی‌شود. در سال‌های اخیر شاهد برگزاری رویدادهایی هستیم که در ظاهر «علمی»، «هنری» یا «ورزشی» هستند، اما در عمل به بستری برای ترویج سبک زندگی خاصی تبدیل می‌شوند. ماراتن کیش یکی از همین نمونه‌هاست که تصاویر و فیلم‌های منتشرشده از پوشش نامتعارف شرکت‌کنندگان باعث شد تا دادستانی کیش ناچار به برخورد با عاملان برگزاری شود. رویداد «دیزاین تهران» در دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران نیز نمونه دیگری است. جایی که قرار بود نمایشگاه طراحی باشد، اما در عمل به شو لباس و کلوب شبانه تبدیل شد.

همه این رویدادها ویژگی‌های مشترکی دارند؛ بودجه‌های کلان تبلیغاتی،

۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ یعنی دوره‌ای که بلک‌فرایدی به اوج تبلیغات خود رسیده بود نه‌تنها هیچ چشم معناداری در تعداد یا ارزش واقعی تراکنش‌ها رخ نداده، بلکه در برخی سال‌ها حتی تعداد تراکنش‌ها در آذر نسبت به آبان کاهش هم داشته است. برای نمونه در آذر ۱۴۰۳، تعداد تراکنش‌ها ۲٫۳ درصد کمتر از آبان بود و کمترین مقدار در کل سال‌ا ثابت کرد. از نظر ارزش اسمی هم افزایش ناچیز کمتر از یک درصدی عمدتاً ناشی از تورم و مجوزهای افزایش قیمت بوده و با تعدیل تورم، ارزش واقعی تراکنش‌ها حتی ۱٫۱ درصد کاهش یافته است.

بنابراین با وجود بمباران تبلیغاتی چندصد میلیارد تومانی و ادعای «تقاضای عمومی گسترده»، بلک‌فرایدی در ایران نتوانسته حتی یک موج کوچک و پایسدار در رفتار واقعی خرید مردم ایجاد کند و تأثیر آن در کل اقتصاد پرداخت کشور تقریباً صفر بوده است. این اعداد نشان می‌دهند آنچه ما به عنوان «پدیده‌بلک‌فرایدی» می‌شناسیم، بیشتر یک هیاهوی رسانه‌ای و تبلیغاتی است تا یک تغییر جدی در الگوی مصرف جامعه. این کمپین‌ها با ادعای تمایل خودخواسته مردم تلاش دارند بلک‌فرایدی و سایر مناسبت‌ها را به فرهنگ عمومی ایران تبدیل کنند. این کمپین بیش از آنکه یک پروژه زودبازده و کوتاه‌مدت باشد، تلاشی بلندمدت برای ایجاد یک الگوی مصرفی بی‌رویه است.

### تفاوت بنیادین بلک‌فرایدی ایرانی با نسخه غربی

باید تشریح کرد که بلک‌فرایدی در ایران هیچ شباهتی به نسخه اصلی آن در غرب ندارد. در کشورهای غربی، بلک‌فرایدی اساساً برای خالی کردن انبار کالا‌های الکترونیکی قدیمی با حاشیه سود پایین یا حتی زبان طراحی شده است. هزینه بالای انبارداری و سرعت بالای تغییر نسل فناوری باعث می‌شود فروشندگان واقعاً نیاز به تخلیه انبار داشته باشند. اما در ایران به دلیل جهش‌های ارزی و محدودیت شدید واردات، نگهداری کالای دیجیتال نه تنها ضرر ندارد، بلکه سود سرشاری دارد. بنابراین آنچه در ایران بلک‌فرایدی

نایمده می‌شود نه جشنواره تخفیف واقعی، بلکه صرفاً تکنیک روانی افزایش فروش است. به عبارت دیگر، در غرب بلک‌فرایدی یک ضرورت اقتصادی برای فروشنده است، اما در ایران این ابزار به قیمت تغییر هویت فرهنگی جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### پروژه‌ای که با پول مردم پیش می‌رود

همه این پروژه با پول خود مردم اجرا می‌شود. هر بار که کسی در بلک‌فرایدی خرید می‌کند، بخشی از پولش صرف تبلیغ بیشتر همین مناسبت در سال بعد می‌شود. مصرف‌کننده ایرانی، بدون آنکه بداند، هزینه تغییر فرهنگ خودش را می‌پردازد. سرمایه‌داری مصرفی در این رویکرد نیازی به اعمال زور ندارد، کافی است میل به خرید را تحریک کند، حس «عقب ماندن از مد» را ایجاد کند و بعد با همان پول حاصل از خرید مردم، ماشین تبلیغاتی را قوی‌تر کند. نتیجه این است که جامعه روز به روز از خودش دورتر شده و در مقابل پروژه‌های امنیتی ضدایرانی نیز حساسی خشی پیدا خواهد کرد. مقاومت در برابر این جریان به دلایل متعددی دشوار است؛ چراکه این تغییرات به‌صورت تدریجی و آرام انجام می‌شود و این جریان به پشتوانه ابزارهای تبلیغاتی با شعار «آزادی انتخاب» و «خواسته مردم» پیش می‌رود و هر انتقادی را به «سنتی بودن» و «عقب‌ماندگی» متهم می‌کند. بازگشت به هویت ایرانی –اسلامی نه به معنای عقب‌گرد و انزوا، بلکه به معنای بازیابی خودباوری فرهنگی است. می‌شود جشنواره‌های خرید بزرگ داشت، اما چرا باید نامش بلک‌فرایدی باشد؟ می‌شود به جای جمعه پایان سال میلادی، جمعه پایان سال شمسی که به تعطیلات نوروزی منتهی می‌شود را با عنوان خلافت‌انه و به دور از کپی‌برداری برای حراج انتخاب کرد یا اگر در سایر ماه‌ها نیز چنین نیاز اقتصادی بود، به مناسبت‌های همان ماه ضرب‌داد، همان‌طور که بسیاری از فروشگاه‌ها و مراکز فروش کالا و خدمات این مناسبت‌ها را برای تخفیف انتخاب می‌کنند، اما جریان صاحب سرمایه پشت‌صحنه صرفاً مناسبات ضدهویتی را مورد توجه قرار می‌دهد.